



دانشکده ی سینما و تئاتر

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد کارگردانی تئاتر

عنوان پایان نامه نظری:

بررسی آرمانشهر در تئاتر معاصر

با نگاهی به آثار: هاینر مولر، تادئوش کانتور و پیتر شومان

استاد راهنمای نظری و عملی:

دکتر حمیدرضا افشار

به کوشش:

احمدرضا اعلائی

۱۳۸۹-۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## چکیده:

در طول تاریخ، انسان در پی تأمین جامعه‌ای مطلوب بوده که خبری از ظلم و تبعیض و جنگ و ستیز و جهل و فقر و مرض در آن نباشد؛ در این راستا برخی به طراحی و ارائه‌ی نظراتی درباره‌ی چنین جامعه‌ی آرمانی کوشیده‌اند. برخی چون افلاطون، مور و کامپانلا تنها طرحی ذهنی ارائه دادند و برخی چون مارکس و فوکویاما این مقوله را تئوریزه کردند و حکومت‌هایی بر این اساس شکل گرفت.

افلاطون شرط رسیدن به آرمانشهر را حکومت فیلسوف می‌داند. مور برای شکل‌گیری آرمانشهر زندگی اشتراکی و کمونی را پیشنهاد می‌کند و کامپانلا اصلاح نژاد را اصل می‌داند. مارکس نیز جمعی از آراء گذشتگان خود از جمله زندگی کمونیستی، جامعه‌ی بی طبقه و... است. فوکویاما پس از شکست تمام این نظریه‌ها لیبرال دموکراسی را پایان تاریخ می‌داند. البته عده‌ای نیز نه تنها آینده‌ی آرمانی را تصویر نمی‌کنند، بلکه نگاه بدبینانه‌ای به آینده‌ی بشر دارند. آینده‌ی‌ای که بحران هویت، ماشین‌یسیم و جنگ در آن دیده می‌شود.

این حکومت‌ها تئاتر را در زمان خود تحت تاثیر قرار داد. برشت از جمله‌ی کسانی بود که تحت تاثیر اصول مارکس، در تئاتر تحولاتی ایجاد کرد تا به تئاتر آرمانی که در جهت اهداف حکومت کمونیستی است کمک کند. از طرف دیگر، پس از جنگ، عده‌ای چون آرتو کاملا مسیر عکس تئاتر کمونیستی را پیمودند و نگاه ابزاری به تئاتر را کنار گذاشته برای آن خاصیتی آیینی قائل شدند تا بتواند بشر آینه شده را متوجه خود کند. هاینر مولر و تادئوش کانتور از جمله‌ی کسانی هستند که تحت تاثیر نظریات برشت هستند، پادآرمانشهری از حکومت‌های توتالیتر زمان خود را ترسیم می‌کنند. شومان نیز با بهره‌گیری از آراء آرتو، آرمانشهری برای رهایی از دنیای امروز تصویر می‌کند.

کلیدواژه: آرمانشهر، پادآرمانشهر، شومان، کانتور، مولر

## فهرست

۹.....	کلیات تحقیق.....	۱.
۹.....	مقدمه.....	۱,۱.
۹.....	دلایل انتخاب موضوع.....	۱,۱,۱.
۹.....	بیان مسئله.....	۱,۱,۲.
۱۰.....	پیشینه ی منابع تحقیق.....	۱,۱,۳.
۱۱.....	اهداف تحقیق.....	۱,۱,۴.
۱۲.....	سوالات تحقیق.....	۱,۱,۵.
۱۲.....	تاریخچه آرمانشهر.....	۱,۲.
۱۵.....	طبقه بندی آرمانشهرها.....	۱,۳.
۱۸.....	یادآرمانشهر چیست؟.....	۱,۴.
۲۱.....	آرمانشهر در تاریخ اندیشه ی غرب.....	۲.
۲۱.....	آرمانشهر در ادبیات داستانی.....	۲,۱.
۲۱.....	آرمانشهر.....	۲,۲.
۲۳.....	امنیت.....	۲,۲,۱.
۲۴.....	مالکیت خصوصی.....	۲,۲,۲.
۲۵.....	شهر آفتاب.....	۲,۳.
۲۶.....	اصلاح نژاد.....	۲,۳,۱.
۲۸.....	قضاوت.....	۲,۳,۲.
۳۰.....	شرعیات صنعتگران.....	۲,۴.
۳۰.....	حاکمیت کارگر.....	۲,۴,۱.
۳۱.....	مادیران.....	۲,۵.
۳۴.....	دنیای قشنگ نو.....	۲,۶.
۳۷.....	۱۹۸۴.....	۲,۷.

۳۹.....	ساعت بیست و پنج.....	۲،۸
۴۰.....	آرمانشهر در اندیشه ی سیاسی غرب.....	۲،۹
۴۰.....	مدینه ی فاضله.....	۲،۹،۱
۴۱.....	شکل گیری آرمان شهر.....	۲،۹،۱،۱
۴۲.....	فردگرایی.....	۲،۹،۱،۲
۴۴.....	علل انحراف شهر.....	۲،۹،۱،۳
۴۵.....	حکومت فیلسوف.....	۲،۹،۱،۴
۴۵.....	حاکمیت فیلسوف.....	۲،۹،۱،۵
۴۷.....	برنامه ی سیاسی مدینه ی فاضله.....	۲،۹،۱،۶
۴۸.....	نقد مدینه فاضله.....	۲،۹،۱،۷
۴۹.....	جایگاه هنر در اندیشه ی افلاطون.....	۲،۹،۱،۸
۵۱.....	مارکسیسم.....	۲،۱۰
۵۲.....	مبانی مارکسیسم.....	۲،۱۰،۱
۵۳.....	ماتریالیسم تاریخی.....	۲،۱۰،۲
۵۴.....	بیگانه سازی.....	۲،۱۰،۳
۵۵.....	آرمانشهر مارکس.....	۲،۱۰،۴
۵۶.....	دین از نظر مارکسیسم.....	۲،۱۰،۵
۵۷.....	مارکسیسم ارتودکس.....	۲،۱۰،۶
۵۹.....	جایگاه هنر در اندیشه ی مارکس.....	۲،۱۰،۷
۶۳.....	نظام های توتالیتر.....	۲،۱۱
۶۴.....	برخورد طبقاتی.....	۲،۱۱،۱
۶۵.....	منشا توتالیتریسم.....	۲،۱۱،۲
۶۶.....	آزادی.....	۲،۱۱،۳
۶۷.....	هنر در نظام توتالیتر.....	۲،۱۱،۴
۶۹.....	پایان تاریخ.....	۲،۱۲
۶۹.....	لیبرال دموکراسی.....	۲،۱۲،۱

۷۱	تاریخچه لیبرال دموکراسی	۲،۱۲،۲
۷۲	هنر در جامعه لیبرال دموکرات	۲،۱۲،۳
۷۶	آرمانشهر در تئاتر معاصر	۳
۷۶	تأثیرات جامعه ی کمونیستی بر تئاتر شوروی	۳،۱
۷۶	مبارزه ی طبقاتی	۳،۱،۱
۷۷	واقع گرایی	۳،۱،۲
۷۸	جدال واقعگرایی و شکل گرایی	۳،۱،۳
۸۱	عصر ماشین	۳،۱،۴
۸۲	تئاتر اروپا در دوران توتالیتاریسم	۳،۲
۸۳	برتولت برشت	۳،۲،۱
۸۴	نفی واقعگرایی	۳،۲،۱،۱
۸۵	تئاتر سیاسی	۳،۲،۱،۲
۸۷	برشت و نقد مارکسیستی	۳،۲،۱،۳
۸۸	سیاست زدایی از تئاتر	۳،۲،۲
۸۸	نخبه گرایی	۳،۲،۲،۱
۸۹	خود محوری	۳،۲،۲،۲
۹۱	آرتو	۳،۲،۳
۹۱	تئاتر به مثابه آیین	۳،۲،۳،۱
۹۴	گروتفسکی	۳،۲،۴
۹۴	تئاتر بی چیز	۳،۲،۴،۱
۹۵	داستان، اندیشه ی سیاسی و تئاتر	۳،۳
۹۶	هاینر مولر	۳،۴
۹۷	انقلاب	۳،۴،۱
۹۹	زبان	۳،۴،۲
۱۰۰	پادآرمانشهر ماشینی	۳،۴،۳
۱۰۱	کانتور	۳،۵

۱۰۲.....	انسان و عروسک.....	۳,۵,۱۰
۱۰۳.....	عصر ماشین.....	۳,۵,۲
۱۰۴.....	نفی هنر جدید.....	۳,۵,۳
۱۰۶.....	نفی تئاتر کارکردگرا.....	۳,۵,۴
۱۰۷.....	پادآرمانشهر کانتور.....	۳,۵,۵
۱۰۸.....	بگذار هنرمندان از صفحه ی روزگار محو شوند.....	۳,۵,۶
۱۰۹.....	زمان و مکان.....	۳,۵,۷
۱۱۰.....	شخصیت ها.....	۳,۵,۸
۱۱۴.....	لباس و گریم.....	۳,۵,۹
۱۱۵.....	کارگردانی.....	۳,۵,۱۰
۱۱۶.....	جامعه ی مرده.....	۳,۵,۱۱
۱۱۷.....	شومان.....	۳,۶
۱۱۸.....	بازیگر و عروسک.....	۳,۶,۱
۱۲۱.....	نفی تکنولوژی.....	۳,۶,۲
۱۲۳.....	نان.....	۳,۶,۳
۱۲۴.....	تدفین ایده های مرده.....	۳,۶,۴
۱۲۴.....	شخصیت ها.....	۳,۶,۵
۱۲۵.....	آیین.....	۳,۶,۶
۱۲۶.....	آرمانشهری به نام لابرلند.....	۳,۶,۷
۱۲۹.....	نتیجه گیری.....	۴
۱۳۶.....	فهرست منابع.....	
۱۴۰.....	گزارش کار عملی.....	

# فصل اول

## کلیات تحقیق



### ۱,۱. مقدمه

#### ۱,۱,۱. دلایل انتخاب موضوع

از دیرباز، آنچه در اسطوره ها و ادیان مختلف مطرح شده است و ذهن آدمی را به خود مشغول داشته، جامعه آرمانی بوده است. در این زمینه، ادیان، اسطوره ها و حتی متفکران بسیاری مباحثی را مطرح کرده اند. اهمیت این موضوع از آن جهت است که جامعه ی آرمانی، به مثابه چشم اندازی است که ارکان مختلف در جامعه بشری در مسیر نیل به آن حرکت می کنند.

امروزه در ادبیات داستانی و سینما توجه زیادی به آن می شود. این امر طرفداران و منتقدان خود را داشته و در برخی موارد به محل نزاع میان متفکران تبدیل شده است. اما در تئاتر و به خصوص تئاتر سیاسی تا به حال بحث در این خصوص به میان نیامده است، در حالی که کارگردانان مولف و صاحب سبک تئاتر، منتقدان جدی سیاست های موجود و در برخی موارد تصویرگر آرمان خواهی های بشر امروز هستند.

#### ۱,۱,۲. بیان مسئله

در سیر تحول آرمانشهرگرایی در غرب ادبیات داستانی و اندیشه ی سیاسی، هر دو پا به پای هم پیش رفته و بر روی همدیگر تاثیرات قابل توجهی را گذاشته اند. آرمانشهرها در هر دو حوزه به تبیین شرایط آرمانی نهادهای اجتماعی در جامعه می پردازند.

جامعه‌شناسان نهادهای اجتماعی را به عنوان ساختارها و مفاهیم اصلی جامعه به ۶ گروه اصلی تقسیم می‌کنند که عبارتند از نهاد های خانواده، آموزش و پرورش، سیاست، اقتصاد، مذهب و فراغت و هنر.

از سوی دیگر جامعه‌شناسان بر حسب رویکردها و کارکردهای اجتماعی نهاد های اجتماعی را از نظر

اهمیت و اثر بخشی از سطح به عمق به ۳ دسته تقسیم می‌کنند:

۱- نهادهای نخستین با کارکردهای معیشتی و دفاعی جامعه

۲- نهاد های دوم با کارکردهای حقوقی، انتظامی و سیاسی جامعه

۳- نهاد های سوم با کارکردهای فرهنگی، هنری و تربیتی

در نظریات مختلف، در جامعه ی آرمانی این نهادها مناسبات خاص خود را دارند و شرایط متفاوتی را خواهند داشت. از جمله ی کسانی که در این زمینه نظریاتی داشته اند می توان به افلاطون، مارکس و فوکویاما اشاره کرد. اما بسیاری از نظریه پردازان به دلیل شرایط جامعه ی خود به طور غیر مستقیم نظریات خود را در قالب داستان آورده اند و اندیشه ی سیاسی بعد از خود را تحت تاثیر قرار داده اند.

در طول تاریخ هنرمندان، به خصوص در حیطه ی تئاتر و سینما توجه ویژه ای کرده اند و تصاویری از این جامعه ترسیم کرده اند. در قرن اخیر با توجه به جنگ های جهانی، بحران های اقتصادی، بیماری ها و ... برخی نویسندگان به سمت تصاویری از پادآرمان شهر رفته و جامعه ای در شرف انحطاط را به تصویر کشیده اند که راه بازگشتی ندارند.

### ۱،۱،۳. پیشینه ی منابع تحقیق

در زمینه جامعه شناسی و ادبیات آرمانشهر و پادآرمانشهر کارهای زیادی انجام شده است. کتاب هایی چون آرمانشهر در تاریخ اندیشه غرب، نیک شهر قدسی و جامعه ی باز و دشمنانش از جمله منابع مهمی هستند

که سیر نظریات را در کنار داستان های تاثیرگذار در غرب بررسی و نقد می کنند. در مورد جامعه آرمانی در دنیای سینما کارهای بسیاری شده است که از جمله آن کتبی است که انتشارات موعود، اطلاعات، فارابی با عناوینی چون معنویت در سینما، مفاهیم مذهبی در سینما، هالیوود و آخرالزمان و... منتشر کرده اند. همچنین پایان نامه ای در دانشگاه هنر با نام آخرالزمان در سینما به این موضوع پرداخته است. در تئاتر در برخی موارد نقدهایی که به صورت پراکنده نوشته شده است اما منبعی که به صورت منسجم این مسئله را مورد بررسی قرار می دهد، پایان نامه ی زهرا خسروی در دانشگاه تهران با موضوع آخرالزمان ، منجی و جامعه آرمانی در ادبیات نمایشی است.

اما موضوع رساله حاضر، یعنی بررسی آرمانشهر در تئاتر معاصر، موضوعی بینارشته ای است و در حوزه ی مسائل جامعه شناختی و اندیشه ی سیاسی به آرمانشهر در تئاتر می پردازد. در حالی که بیشتر رویکرد و بررسی های فوق اسطوره ای و دینی بوده است. با توجه به این مسائل، عملاً مطالب زیادی در حوزه ی آرمانشهر و تئاتر وجود ندارد.

#### ۱.۱.۴. اهداف تحقیق

هدف اصلی این پژوهش تحلیل و بررسی جایگاه آرمانشهر در تئاتر معاصر است. در مسیر نیل به این

هدف اهداف فرعی زیر تعریف می شوند:

- بررسی آرمانشهر و آرمانشهرگرایی
- بررسی آرمانشهر در ادبیات داستانی غرب
- بررسی آرمانشهر در اندیشه ی سیاسی غرب
- بررسی پادآرمانشهر در غرب
- بررسی آرمانشهر و پادآرمانشهر در تئاتر غرب

- تحلیل آرمانشهر و پادآرمانشهر در آثار هاینر مولر، تادئوش کانتور و پیتر شومان

### ۱،۱،۵. سوالات تحقیق

- آرمانشهر چیست؟
- چه تصویری از آرمانشهر در ادبیات داستانی غرب ارائه شده است؟
- آرمانشهرگرایی چه تاثیراتی در اندیشه سیاسی غرب داشته است و متفکران چه تصویری از جامعه ی آرمانی ارائه کرده اند؟
- پادآرمانشهر چیست؟
- آرمانشهرهای موجود در اندیشه ی سیاسی غرب در تئاتر معاصر غرب، چه تاثیری بر روند فکری و اجرایی کارگردانان تئاتر داشته است؟
- جوامعی که هاینر مولر، تادئوش کانتور و پیتر شومان از آرمانشهر چه تصاویری ارائه می کنند؟

### ۱،۲. تاریخچه آرمانشهر

اتوپیا، واژه‌ای یونانی است که توماس مور آن را ساخته است. واژه «توپوس» (topos) یونانی به معنای مکان است، مور با افزودن حرف نفی «او» (ou)، از آن «یوتوپیا» (ou-topos) را ساخته است. اما اینکه به واقع آرمانشهر به چه مکانی اطلاق می شود و کدام یک از تعاریف موجود تصویر درستی از آن را ارائه می دهد. مطالعه ی آثار مکتوب و غیر مکتوب اقوام و ملل نشان می دهد که هم در میان فلاسفه ی بزرگ، هم در ادیان و هم در میان آراء بنیان گذاران فرهنگ و مدنیت جدید و معاصر، طرح «مدینه ی فاضله»، (شهر آرمانی) مشاهده می شود. در میان همه ی طرح های عرضه شده نیز غرض اصلی، دستیابی به مدینه ای است مطلوب و عاری از هر ظلم و بی عدالتی همراه با شادکامی و بهره مندی از تنعمات و خیرات.

«اتوپیانيسم يا آرمانشهر گرايي به طور كلي به انواع متفاوتي از افكار و روياپردازي هايي اطلاق مي شود كه جامعه اي برتر را توصيف مي كنند... آرمانشهر مور به طور هدفمندی جامعه اي برتر از جامعه ي زمان خود را توصيف مي كند.» (Tim Cran, ۲۰۱۱: Utopianism)

در هر دوره اي تفكري ويژه و دستگاہ نظري خاصي عرضه شده، سخن از شهر آرمانی نیز به میان آمده است. زیرا هر يك از دستگاہ های نظري درباره ي انسان تعريفی خاص عرضه داشته اند و برای جایگاه و نقش او در پهنه ي خاک سخني نو آورده اند و همین امر می تواند در سرزمین مطلوب و مورد نظر دستگاہ نظري پيشين دگرگونی به وجود می آورد.

آرمانشهرها بيش از آن كه جنبه ي عيني و واقعي داشته باشند، طرحی ذهني اند كه طراحانشان تحقق آن ها را منوط به فراهم آمدن پاره اي از شرايط و مهيا شدن امكاني كه تحقق آن شهرها بدان ها بستگی دارد اعلام نموده اند و همه ي اينها به همان تمنای دروني انسان برمی گردد.

اولین ردپای این تمنا را در میان داستان های اساطیری، اشعار و بالاخره کتب فلسفی و دینی می توان جستجو کرد.

«مدینه فاضله افلاطون، قدیمی ترین نمونه این جامعه یا شهر تخیلی است، ولی این اصطلاح بيشتر پس از انتشار کتاب توماس مور در سال ۱۵۱۶م فراگیر شد.» (تامس مور، ۱۳۷۲: ۱۶)

و در سده های بعد، آثار بسیاری درباره جامعه آرمانی در اروپا نگاشته شد، از جمله آنهاست: «شهر آفتاب» کامپانلا، «آتلانتیس جدید» فرانسیس بیکن، «دنیای صنعتی جدید» فوریه، «۱۹۸۴» جورج اورول، «سفر به ایکاری» اتین کابه و «دنیای قشنگ نو» هاکسلی.

توماس مور (۱۴۷۷-۱۵۳۵م) یکی از چهره های برجسته دوران رنسانس انگلستان به شمار می رود كه نامش را با كتاب معروفش یوتوپیا در تاريخ ادب و اندیشه ماندگار نمود. «اثر مور، در قرن شانزدهم در طرز تفكر رهبران نهضت های مذهبی با گرایش های سوسیالیستی آلمان هم چون لوتر و نیکلا اشتورک و توماس مونتر

تأثیر گذاشت. نوشته او در شکل‌گیری نظریه کمونیزم به خصوص در نیمه دوم قرن هجدهم تأثیر بسیار عمیقی داشت.» (کریستیان گودن، ۱۳۸۳: ۳۴-۳۵)

در رابطه با مفهوم آرمانشهر اختلافات بسیاری وجود دارد. زمانی آرمانشهر را «کمال مطلوب سیاسی یا اجتماعی، اما تحقق‌ناپذیری است که واقعیت‌ها، طبیعت انسان، و شرایط زندگی در آن ملحوظ نشده‌اند. این معنا سپس با از دست دادن جنبه‌ی سیاسی خود از این هم نارساتر شده است، دیگر آرمانشهر با این روایت جز رویایی ناممکن و مترادف با خیال‌واهی نیست.» (فردریک روویون، ۱۳۸۵: ۶)

شاید با همان نگاه تعریف دیگری می‌گوید که «آرمان‌شهر یا اتوپیا، شهر، جامعه یا دولتی آرمانی و کامل است که اهل آن، تاریخ ندارند و به دور از هر گونه نگرانی و ترس و آسوده از اندیشه مرگ، در شهر خود به کار مشغول‌اند. اتوپیا شهری زمینی است که مردان آن، جایگاهی معین در شهر دارند و این انتظام را چیزی جز قانون آن شهر معین نکرده است که آن هم ساخته و پرداخته دست بشر است. . . . آرمانشهر، رؤیای بازگشت به بهشتی است که آدم از آنجا رانده شد، اما در شکل دهی به آرمانشهر، اوصاف این بهشت به شهری زمینی نسبت داده می‌شود که در زندگی انسان متجلی است.» (داوری اردکانی، رضا، ۱۳۷۹: ۳۳)

بنابر این تعریف، اتوپیا محلی است که اهل آن، مقام و جای معین در مدینه دارند و این را قانون مدینه که آن هم بشری و زمینی است، مقرر کرده است. این نگاه تا جایی ادامه پیدا می‌کند که آن را کاملاً زمینی و انسانی جلوه می‌دهد؛ «اتوپیا مدینه‌ای است صرفاً بشری که خدا در آن غایب است، اهل آن، به دیانت کاری ندارند و دین و احکام الهی یا اصلاً وجود ندارد یا اگر هست، منشأ اثر نیست. احکام و قواعدی که در اتوپیا باید از آنها پیروی شود، قوانین و احکامی است که بشر وضع کرده است.» (همان، ۴۲)

آرمان‌شهر وضعیتی خیالی و فراسوی واقعیت است. دورنمایی وسوسه‌انگیز از جهان آرزوهاست. گروهی آن را سرگرمی روشن‌فکرانه‌ای می‌دانند که دورنمایی بس زیبا را در پیش روی آدمی می‌نهد، اما سرابی در برهوت یا رویایی بی‌تعبیر است. برخی همچون پوپر نیز آن را نقابی فریبنده بر چهره جباریتی سرکوب‌گر می‌-

دانند. با این وجود، نباید تصاویر ارائه شده از سوی اندیشمندان در باب مدینه فاضله را خیال‌پردازی محض انگاشت، بلکه «این آرمان‌شهرها بازتاب شرایط عینی جامعه‌اند. نویسنده یا طراح آرمان‌شهر - که از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه خویش یا از اوضاع حاکم بر جهان ناخرسند است و شرایط عینی را با تصورات ذهنی و آرمان‌های خویش ناسازگار می‌یابد، می‌کوشد با طرحی آرمانی وضع موجود را نفی و ارزش‌های آن را انکار کند.» (Tim Cran, ۲۰۱۱: Utopianism) در این صورت، آرمان‌شهر تنها، وسیله گذار از عینیت به ذهنیت و پناه بردن به تخیل صرف نیست، بلکه بازآفرینی ذهنی جامعه است به قصد انتقاد از نظام مستقر و محکی است برای سنجش وضع موجود و آشکار ساختن نارسایی‌ها و ناروایی‌هایش.

### ۱.۳. طبقه بندی آرمانشهرها

اتوپیاها متنوع‌اند، شباهت‌هایی دارند، از هم تاثیر پذیرفته و در پاره‌ای موارد با یکدیگر متضاد نیز هستند. برخی از آنها ستایش‌گر پرهیزکاری‌اند و برخی دوست‌دار لذت‌جویی. بعضی از آن‌ها منتظر منجی بوده تا حکومت عدل به پا کند و دیگرانی هستند که جامعه‌ای بی طبقه و بی حاکم را آمانی می‌دانند. از همین رو کریستیان گودن، اتوپیاها را به چهار دسته تقسیم می‌کند:

۱. اتوپای آزادی که به ترسیم وضعیت ایده‌آلی بودن می‌پردازد؛
۲. اتوپیا با سنت مردمی و انقلابی از سنخ همان اتوپای توماس مور؛
۳. اتوپای نظم که وضعیت دولت ایده‌آل را ترسیم می‌کند؛
۴. اتوپای نهادینه و تمامیت‌ساز که خود را از پیروان سنت شهر خورشید کامپانلا می‌داند).

کریستیان گودن، ۳۴)

اما مدل‌های دیگری نیز وجود دارد، از جمله مدلی که پوپر در این زمینه ارائه می‌دهد. پوپر بر اساس نگاهی که به آرمانشهرگایی دارد، الگوی تحلیلی خود را طرح ریزی می‌کند. وی معتقد است که در طول تاریخ

فیلسوف مزاج‌ها، انسان‌ها را در عرصه‌ی تاریخ به مثابه‌ی مهره‌ی شطرنج می‌انگارند و با تحلیل آن می‌تواند قوانین تکامل تاریخ را دریابد و حوادث آینده را پیش‌بینی کند.

بر همین اساس چند صورت برای این نظریه قائل شده است. صورت قدیمی آن را نظریه‌ی برگزیدگی می‌نامد که با تفسیرهای دینی جهان را معرفی می‌کند... به موجب این نظریه، صحنه‌ی تاریخ تنها یک نویسنده دارد و آن هم خداوند است. «خداوند گروهی از مردم را برمی‌گزیند تا افزار خاص او بشوند و اراده او را اجرا کنند؛ اینان وارث ملک زمین خواهند بود.» (کارل پوپر، ۱۳۶۴: ۱۵)

صورت دوم طبیعت‌گرایی است که تاریخ را تابع قوانین طبیعت می‌داند. و صورت‌های دیگری هم از جمله روح‌گرایی، اقتصادگرایی و نژادگرایی تعریف می‌کند که تاریخ را تابعی از تحولات روحی، اقتصادی و نژادی می‌داند. فلسفه تاریخی نژادگرایی همچون نظریه‌ی برگزیدگی است که به جای افراد برگزیده، یک نژاد را برگزیده می‌داند و می‌گوید سرانجام این نژاد وارث زمین است. در نظر نژادگراها تاریخ چیزی نیست جز تنازع نژادها برای کسب برتری.

بیشتر طراحان شهر آرمانی از عملی نبودن طرح خویش آگاه‌اند و آن را تصویری از جامعه کامل و معیاری برای سنجش وضع موجود می‌دانند. افلاطون شهر آرمانی را زاینده خیال خود می‌داند و در جایی دیگر، به صراحت می‌گوید: «گمان نمی‌کنم که یک چنین شهری در هیچ نقطه جهان وجود داشته باشد ... شاید نمونه آن در آسمان موجود باشد تا هر کس بخواهد، بتواند آن را مشاهده کند و در استقرار حکومت نفس خود، از آن سرمشق گیرد.» (افلاطون، ۱۳۷۴: ۱۱۵)

توماس مور، در کتاب یکم از دو کتاب *یوتوپیا* جامعه روزگار خویش را به تصویر می‌کشد و از نظام ناعادلانه آن و بیدادهای بنیادین آن، سخن می‌گوید. یوتوپیا برای مور بهانه‌ای است برای خرده‌گیری از جامعه خویش. از این رو، او برای در امان ماندن از پیامدهای این همه انتقاد از جامعه، به زبان طنز متمسک شده است. راوی یوتوپیا، مردی جهان‌گرد به نام «هیئلودی» به معنای «یاوه‌سرا» است که به همراه دوستانش از جمله



تریکیوس آپیناتوس، به معنای «آقای بازیگوش بی‌معنا»، از جزیره یوتوپیا و شهرهای آن از جمله اکوریا، به معنای «هیچ جا» و آماتوروت، شهر اصلی جزیره به معنای «خیالی و نامعلوم» که رودی به نام آنیدر، به معنای «بی‌آب» در آن جریان دارد، دیدن می‌کند.

اما مور در کتاب دوم، به شرح جامعه آرمانی خویش می‌پردازد که مهم‌ترین ویژگی آن کمونیسم آن، یعنی نبودن مالکیت خصوصی است و به همین جهت است که کارل کائوتسکی، مور را پیشرو اندیشه کمونیسم شمرده است. جزیره یوتوپیا پیش از آن که غایتی عملی باشد، مانند جمهوری افلاطون، رؤیایی است تأمل‌انگیز. شهر آرمانی، جامعه‌ای خیالی است که اهالی آن در شرایط کامل می‌زیند. جایی دست‌نیافتنی است که تصور آن همواره در افق آرزوهای بشر، نمونه خیر برین و زیبایی و رستگاری بوده است.

حاصل آن که، برخی از ویژگی‌های اتوپیاها را می‌توان این گونه برشمرد:

- ۱- اتوپیاها طرح‌هایی ذهنی و تصویرهایی ایده‌آل از دنیای به نسبت بهتر می‌باشند.
- ۲- اتوپیاها دربرگیرنده تفسیرها و تعبیرهای تجربی و عقلانی اوضاع اجتماعی موجود نیستند، بلکه ایده‌آل‌های انتزاعی ذهنی هستند که هیچ‌گونه اقدام عملی را برای رسیدن به واقعیت ملموس تضمین نمی‌کنند.
- ۳- اتوپیاها از سویی از واقعیت‌های موجود انتقاد می‌کنند و از سوی دیگر، برای توصیف جامعه‌های مطلوب وضع شده‌اند که در واقعیت وجود ندارند.

۴- اتوپیاها از مرزهای زمان و مکان می‌گذرند. جایگاه آنها تخیلی است.

۵- جرقه پیدایش اتوپیاها در بحران‌ها زده می‌شود. (عارف حسینی، ۱۳۸۲: ۲۸).

برخی مثل شاتله معتقدند که کتاب جمهوری افلاطون در زمره آرمان‌شهرها به حساب می‌آید، اما دیدگاه برخی دیگر، آن است که جمهوری را نمی‌توان به درستی کتابی آرمان‌شهری دانست، زیرا به رغم وجود همانندی‌های فراوان بین این کتاب و برخی آرمان‌شهرها (به ویژه آرمان‌شهر مور یا کامپانلا)، این شباهت، سطحی بوده، جمهوری تفاوتی عمیق با اندیشه آرمان‌شهر دارد. با تمام این تفاسیر جمهوری افلاطون، نیای

بلافاصل و تردیدناپذیر آرمانشهر است، چرا که بیش‌تر آرمان‌شهرها، جز تعبیری نوین از دیدگاه‌های افلاطون نیستند.

از جمله کسانی که به انتقاد از این اندیشه پرداخته‌اند، کارل پوپر است. وی معتقد است که ناکجاآبادگرایی، نه تنها در مقام عمل ممکن نیست، بلکه خطرناک نیز هست. بر اساس شیوه ناکجاآبادی هر عمل عقلانی باید هدفی داشته باشد، از این رو، پیش از هر عملی، باید هدف نهایی خود را برگزینیم. حال به کارگیری این اصول در عرصه فعالیت سیاسی، اقتضاء می‌کند که پیش از دست زدن به هر گونه اقدام عملی، اول هدف سیاسی نهایی را که همان دولت آرمانی باشد، تعیین کنیم. تنها هنگامی می‌تون در عرصه سیاست عملی، به خصوص در زمینه مهندسی اجتماعی، دست به رفتارهای عقلانی زد که هدف نهایی تعیین شده، طرح جامعه‌ای که هدف ماست، در دست باشد. پس شیوه برخورد ناکجاآبادی مبتنی است بر اعتقاد افلاطون‌وار به آرمانی یگانه و دگرگون‌نشده، به اضافه دو فرض دیگر: الف) تعیین قطعی این آرمان، ب) تعیین قطعی وسایل تحقق آن. حال آن که به گفته پوپر، «حتی خود افلاطون و پرحرارت‌ترین افلاطونیان» نیز اذعان دارند که هیچ روش عقلی برای تعیین هدف نهایی وجود ندارد. در نتیجه شیوه تحصیل چنین هدفی نیز در هاله‌ای از ابهام است.

از منظر او اشکالات دیگری نیز بر اندیشه ناکجاآبادگرایی وارد است، از جمله این که، این اندیشه منجر به دیکتاتوری و رادیکالیسم افراطی می‌شود که در فصل‌های آینده در این رابطه به تفصیل شرح داده خواهد شد.

## ۱.۴. پادآرمانشهر چیست؟

پادآرمانشهر زاییده‌ی داستان‌های علمی-تخیلی است. «در داستان‌های علمی-تخیلی، جوامع پادآرمانی جوامعی تخیلی هستند که در آنها ویژگی‌های منفی، برتری و چیرگی کامل دارند و زندگی در آنها دلخواه هیچ انسانی نیست. این جوامع به گونه‌ای فاجعه انسانی هستند.» (فردریک روویون، ۱۴۰)

با این تعریف یک جامعه پاد-آرمانی نقطه مقابل و وارونه یک آرمان شهر است. ترسیم یک جامعه پادآرمانی توسط نویسندگان آینده‌نگر معمولاً به منظور هشدار به مردم در مورد ادامه یا افزایش چیرگی برخی معضلات اجتماعی صورت می‌گیرد.

برخی از موضوعات رایج پادآرمانی در داستان‌ها عبارت‌اند از:

- جامعه‌ای که در آن هیچ آزادی‌ای دیگر وجود ندارد (حتی آزادی‌های کوچک شخصی) و حکومتی تمامیت‌خواه بر همه چیز انسان‌ها حکم می‌راند.
- جامعه‌ای که توسط رایانه‌ها و ربات‌ها اداره و کنترل می‌شود.
- داستان‌هایی درباره سرنگونی امپراتوری‌های جهان در آینده.
- جامعه‌ای که در آن همه چیز و همه کس همانند و یکسان است و در آن ابراز احساسات و نمایاندن جنبه‌های فرهنگی ممنوع است.
- جامعه‌ای که در آن انسان‌ها تنها نقش خوراک برای موجودات دیگر را دارند یا اینکه انسان‌ها را برای برداشت اندام و احشاء آنها پرورش می‌دهند.
- جهانی که در آن در پی جنگ هسته‌ای، بیماری یا فاجعه‌ای دیگر نسل بشر تقریباً برافتاده است. (همان، ۱۴۳)

سه کتاب «مادیگران» نوشته ی زامیاتین، «دنیای قشنگ نو» نوشته ی هاگسلی و «۱۹۸۴» نوشته ی جرج اورول تصویر منفی و انتقادی اتوپیای جذابی است که دوره ی رنسانس سعی داشت آن را به عنوان جهانی ایده آل برای بشر معرفی نماید.

## فصل دوم

آرمانشهر در تاریخ اندیشه ی غرب